

خبر

طلایی: تکلیف شود، قالیاب برای ریاست جمهوری می آید

● **نامه‌نیوز:** گمانه‌ها درباره سرلیستی اصولگرایان در تهران و مشهد برای انتخابات مجلس شورای اسلامی هر روز بیشتر می‌شود. این روزها از رفت‌وآمد پررنگ قالیاب به مشهد خبرهایی به گوش می‌رسد و صحبت‌هایی هم درباره سرلیستی جلیلی در تهران مطرح می‌شود. مرتضی طلایی، از دوستان نزدیک محمدباقر قالیاب که در نیروی انتظامی و مدیریت شهری همکاری نزدیکی با او داشت، درباره اخبار مربوط به سرلیستی قالیاب از تهران یا مشهد گفت: آقای قالیاب برای مجلس کاندیدا نخواهد شد، نه از تهران، نه از مشهد و نه از هیچ‌کجای دیگری. اتفاقا در خبرها دیدم آقای شیران، نماینده مشهد در مجلس که ارتباط بیشتری با آقای قالیاب دارد نیز اعلام کرد: «آقای قالیاب نامزد انتخابات مجلس نمی‌شود». وی درباره چرایی مانور تبلیغاتی روی نامه قالیاب برای سرلیستی اصولگرایان بیان کرد: این مسئله می‌تواند دلایل مختلفی داشته باشد، اما به اعتقاد من علت را باید از همان‌هایی که این کار را می‌کنند پرسید. آقای قالیاب در کنار سایر نیروهای انقلابی اصولگرا تلاش می‌کند تا یک مجلس کارآمد، انقلابی، جوان و موفق تشکیل شود. این فعال سیاسی اصولگرا درباره علت عدم همخوانی حوزه تخصصی قالیاب با نهاد قانون‌گذاری، یادآور شد: کسی که کار اجرایی کرده حتما در حوزه قانون‌گذاری هم می‌تواند موفق شود. اتفاقا اگر همه نمایندگان مجلس تجربه اجرایی داشتند چه‌بسا بسیار بهتر می‌توانستند قانون‌گذاری کنند، چون مصوباتی را می‌گذرانند که در صحنه عمل با مشکل مواجه نشود. اما درکل آقای قالیاب به طور طبیعی نباید تصمیمی برای ورود به انتخابات مجلس داشته باشد. وی ادامه داد: آقای قالیاب یک شخصیت تکلیف‌گراست، اگر بر او تکلیف شود تا به عرصه‌ای که نیاز انقلاب است یا بگذارد، این کار را خواهد کرد. برای انتخابات ریاست‌جمهوری ۱۴۰۰ هم این‌طور خواهد بود که اگر به او تکلیف شود حضور پیدا می‌کند. اول باید انتخابات مجلس تمام و نتیجه آن اعلام شود. نتیجه انتخابات مجلس می‌تواند معادلات و آرایش سیاسی انتخابات ریاست‌جمهوری را شفاف‌تر و روشن‌تر کند. طلایی درباره پیوستن جبهه پایداری به ائتلاف نیروهای انقلابی اصولگرا گفت: همه تلاش‌ها برای آن است که این اتفاق بیفتد. همه نیروهایی که خودشان را منتسب به جریان انقلاب و اصولگرایی می‌دانند باید در کنار هم قرار بگیرند تا لیستی یکپارچه و یکدست برای این انتخابات ارائه کنند. اگر این اتفاق بیفتد، به نفع جریان انقلابی و اصولگرا خواهد بود تا آنکه بخواهند هرکدام جداگانه لیست بدهند.

ترقی: قرار نیست دیدگاه جبهه پایداری بر اصولگرایان غالب شود

● **خبرآنلاین:** حمیدرضا ترقی، عضو شورای مرکزی حزب مؤتلفه، درباره غلبه نگاه جبهه پایداری در شورای وحدت اصولگرایان گفت: قرار نیست یک دیدگاه بر کل جریان وحدت حاکم باشد. در مورد اینکه این نوع افراد در جمع تصمیم‌گیری باشند، کسی بحثی ندارد. اما اینکه نظر آنها غالب باشد، گمان کنیم مجموعه چنین چیزی را قبول داشته باشد. به‌عنوان یک نظر در یک مجموعه ۴۰ نفره این دیدگاه‌ها مشکلی را ایجاد نمی‌کند که نگران باشیم. بنابراین وقتی تصمیم نهایی را همه بپذیرند، این نتیجه، نتیجه پخته‌تری خواهد شد. حساسیت به این معنا نیست که این افراد در مجموعه تصمیم‌گیری نباشند، بلکه نظر بر این است که این دیدگاه‌ها حاکم بر کل جریان وحدت نباشد و درحال‌حاضر این‌گونه نیست. جبهه پایداری به دنبال اختلاف نبود و نقظه‌نظراتی وجود دارد که این نظرات با تحلیل‌های اعضای شورای وحدت همخوانی ندارد یا مورد پذیرش نبود. کاملا مشخص است که این مباحث در راستای اختلاف‌افکنی نیست، بلکه بحث بر سر شاخص‌محوری است. تأکید بر این است که به سمت افراد انقلابی حرکت کنیم و از مصالحه و کوتاهی از اصول رهیزش شود. بنابراین همان‌طور که اصلاح‌طلب‌ها در این دوره می‌گویند تنها از اصلاح‌طلبان یا دوز بالا حمایت می‌کنند، در میان اصولگرایان هم چنین ذهنیتی هست که اگر ما اصولگرایانی با دوز پایین انتخاب کنیم، آنها عملکردشان در دوران مسئولیت تضمین‌شده نیست. با توجه به این توضیحات باید بگوییم که در حال رسیدن به نتیجه خوبی هستیم.

۴ در سال‌های اخیر هم‌زمان با گسترش

شبکه‌های اجتماعی، بخش‌هایی از جامعه از

رسانه‌های حقیقی به‌عنوان مرجع رسانه‌ای به

رسانه‌های مهیج تغییر دافقه داده‌اند؛ علت این تغییر چیست؟

رسانه‌های جعلی هم با نوعی منطق آغاز به کار می‌کنند. برای مثال، آمدنیوز با دست بردن به درون نظام سیاسی و از طریق افشاکری و دروغ‌پردازی به جذب مخاطب می‌پردازت. در حقیقت علت گرایش به چنین رسانه‌هایی را باید در تمایل جامعه برای دگردیسی جست. زیرا جامعه به دلیل بی‌اعتنایی مسئولان به مطالباتش، خود در پی ساختن فردایش برآمده است. در چنین شرایطی نیز رسانه‌هایی نظیر آمدنیوز متولد می‌شود و با افشاکری به جذب مخاطب می‌پردازد. حال آنکه سیستم خود در ۱۰ سال گذشته بیشترین افشاکری را علیه نیروهایش داشته. در سال‌های اخیر به طور مداوم در حال محاکمه‌کردن نیروهای درون سیستم بودیم. به‌طورقطع، در چنین شرایطی کار برای آمدنیوزها هم آسان خواهد شد. پرسش اینجاست آیا به‌راستی این رسانه‌ها زیست اجتماعی مردم را سروسامان می‌دهند و جامعه از نخنگان فرهنگی – سیاسی و رسانه‌های حقیقی به نحوی عبور کرده و به رسانه‌های جعلی تن داده است؟ جامعه ایران اساسا هیچ‌گاه به نخنگان توجهی نداشته است. نخنگان همواره کمترین مخاطبان عام را به خود جذب کرده‌اند. نیروهای میانی مانند رسانه‌ها، پیام نخنگان را به ساحت خود منتقل کردند. اگر در مواردی هم مخاطب نخنگان و رسانه‌ها مردم بودند، در اینجا پیام شکل پوپولیستی پیدا کرده است؛ چراکه ناگزیر به پنهان‌کاری، اغواگری، ایدپردازی و ایدئولوژی‌سازی شده‌اند. برای مثال مصدق به‌عنوان یک نخبه سیاسی و نخست‌وزیر وقت ایران، وقتی وارد صحنه منازعه با شاه شد، از نخبه‌گرایی عدول کرد و به یک پوپولیست تمام‌عیار تبدیل شد. سایر نیروها نیز به همین شکل هستند. اگر نخبه‌ای بخواهد پیام خود را به جامعه منتقل کند، باید بیاش را ناگزیر پوپولیستی کند. زیرا مجاب‌کردن مردم از اسوی رسانه‌ها و نخنگان نیاز به بیان پوپولیستی دارد. چنانچه مخاطب کارشناسان هستند، به بیان کارشناسانه نیاز است. اگر مقصود ساماندهی طبقه متوسط است، باید بیان نخبه‌گرایانه وجود داشته باشد. رسانه‌ها و نخنگان باید مطابق نیاز طبقات مختلف جامعه عمل کنند. در ایران به‌جای اینکه تلاش شود تا بیان کارشناسانه رشد یابد و بوروکرات‌ها به‌جای پوپولیست‌ها سر کار آیند، برعکس خود پوپولیستی رفتار کردند. لیدرهای طیف‌های سیاسی در ایران نیز به‌جای مجاب‌کردن طبقه متوسط جهت کشش جمعی، نگاهشان بیشتر متوجه توده بوده است. راست‌گراها و چپ‌گراها هم مسئله اساسی‌شان توده بوده است. وقتی مسئله توده‌ها می‌شود، نیازهای عمومی و آرزوهای کلی و مبهم، به موضوع اصلی تبدیل شده و سپس بیان شعاری و عاطفی– احساسی در دستور کار قرار می‌گیرد. در نهایت رفتارهای رادیکال ظهور می‌کند. در اینجا اگر هدایتگران پوپولیست قدرت ظهور نداشته باشند، سلبریتی‌ها قدم می‌گذارند. وقتی نخنگان در حوزه فرهنگ و سیاست کارایی نداشته باشند، سلبریتی‌ها از حوزه هنر، سینما، موسیقی و دانشگاه سلبریتی می‌شوند و رسانه‌هایی نظیر آمدنیوز و امثال آن به مرجع رسانه آگاهی‌بخش برای مردم تبدیل می‌شوند.

۴ **کشاد** **نخنگان سیاسی و فرهنگی تا چه میزان در تغییر دافقه رسانه‌ای مردم مؤثر بوده است؟** به‌طور قطع اثرگذار بوده است. فضای مجازی بیش از آنکه آگاهی ببخشد اغواگری کرده و بیش از آگاهی‌بخشی، توهم تولید می‌کند. این فضا بیش از تقویت نقد، تخریب و هوچی‌گری می‌کند. در چنین فضای بدیهی است که رسانه‌های جعلی دست به اغواگری و هوچی‌گری می‌زنند که این خود با جریان نخبه‌گرایانه و رسالت رسانه‌ها برای آگاهی‌بخشی در تعارض است. به نظر می‌رسد که یک نزاع پنهان میان نخنگان و پوپولیست‌ها در ایران شکل گرفته است. رسانه‌ها برخلاف پوپولیست‌ها به دلیل محافظه‌کاری به این مسائل کاری ندارند. پوپولیست‌ها همواره همه عرصه‌ها را درمی‌نوردند. این مهم نیز جز با اغواگری حاصل نمی‌شود. به نظر یک همزیستی سالم‌آمیز میان پوپولیست‌ها و فرهنگ توده شکل گرفته است؛ چراکه نخنگان در صحنه نیستند و مردم چاره‌ای جز گوش‌دادن به پوپولیست‌ها ندارند.

سیاست

تقی آزادارمکی در گفت‌وگو با «شرق» مطرح کرد

در خدمت و خیانت پوپولیست‌ها



علیرض

رونق رشتنی

هستی قاسمی: هم‌زمان با گسترش شبکه‌های اجتماعی و رشد قارچ‌گونه رسانه‌های نامعتبر و غیرحرفه‌ای در فضای مجازی، شاهد کاهش مخاطب در رسانه‌های حقیقی هستیم. در مواردی رسانه‌های تصویری و مکتوب برای بازگردان مخاطب به اعمال برخی تغییرات در چگونگی تجزیه‌وتحلیل، عرضه تیتراها و ساخت برنامه‌های مهیج ناگزیر شدند اما باین همه، هیچ‌یک برای بازگرداندن مخاطبان ناراضی، کافی نبود؛ چراکه فضای مجازی با اغواگری، تخریب و هیجان، دنیای دیگری را برای مخاطبان به ارمغان آورده است؛ تاجایی‌که آنها ترجیح می‌دادند اخبار را از طریق مراجه به آمدنیوزها دنبال کنند، حتی اگر نوهمی بیش نباشد. پرسش اینجاست به‌راستی چه چیز سبب می‌شود که آمدنیوزها با وجود دروغ‌پرانی و ترویج خشونت تبدیل به مرجع رسانه‌ای برای بخش‌هایی از جامعه می‌شوند؟ تقی آزادارمکی دراین باره می‌گوید: «غیبت روشنفکری در جامعه منجر به آلترناتیو دیگری به‌جای رسانه‌های حقیقی می‌شود. رسانه‌هایی که رسانتشان باید تقویت خرد، آگاهی جمعی و نخبه‌گرایی باشد، خود نیز شبیه رقیب شده‌اند، براساس این، درباره مسائل یادشده با این جامعه‌شناس و استاد دانشگاه به گفت‌وگو پرداختیم که در ادامه آن را می‌خوانید.

۴ **چه عواملی سبب می‌شود رسانه‌هایی که ناامنی، بی‌اخلاقی و خشونت را در جامعه رواج می‌دهند، جایگزین رسانه‌های حقیقی و حرفه‌ای شوند؟**

غیبت روشنفکری در جامعه منجر به چنین وضعیتی می‌شود. رسانه‌هایی که رسانتشان باید تقویت خرد، آگاهی جمعی و نخبه‌گرایی باشد، کارشان را به‌درستی انجام نمی‌دهند. این رسانه‌ها خود شبیه به رقیب و پوپولیست شده‌اند. برای نمونه صداسیمیا زمانی مقاومت می‌کرد تا از ساختن برنامه‌هایی مانند غرب اجتناب کند، اما امروز دقیقا برنامه‌هایش مانند برخی از شبکه‌های ماهواره‌ای است. درحالی‌که اگر به برنامه‌های کارشناسی تن می‌داد، به این همه هزینه نیاز نبود تا امروز شبیه رقییش شود. وقتی رسانه‌ها برای بقای خود شبیه رقبای خارجی‌شان می‌شوند و اجازه ورود نخبه‌ها را به درون خود نمی‌دهند، نمی‌تواند انتظار جذب مخاطب را داشته باشند. اینجاست که نخبه‌ها در ایران محدود می‌شوند و پوپولیست‌ها یا به عرصه می‌گذارند و با دروغ، اغواگری سکان‌دار فرهنگ می‌شود؛ به عبارت بهتر محدودکردن نخنگان رسانه‌ای موجب شد پوپولیست‌هایی نظیر آمدنیوز فرمان فرهنگ را بچرخانند. در ایران یک نزاع بیندای با طبقه متوسط وجود دارد، از منظر مفهومی، تجربی و سیاسی تلاش‌ها بر حذف طبقه متوسط به عبارتی هنرمند درجه یک تا سیاستمدار منتقد فراوانی می‌کند. در چنین شرایطی پوپولیست نیز با هوچی‌گری فرمان را به دست می‌گیرد. برای نمونه، باید پرسید که در سال‌های اخیر در میان مجریان تلویزیون چند نفر از آنها تبدیل به یک چهره ماندگار و محبوب شده‌اند؟ اگر هم فردی در میان مجریان تلویزیونی تبدیل به یک معیار شده باشد به نحوی حذف شده است، نظیر فردوسی‌پور. زیرا به هیچ روی اجازه داده نمی‌شود که کسی به معیار و ورفنس تبدیل شود. درپی حذف نخنگان و کارشناس، رسانه‌های غیرحرفه‌ای و دروغ‌پرداز پا به عرصه حیات می‌گذارند و سخن‌شان بی‌کم‌وکاست مورد قبول واقع می‌شود. به‌طوری‌که وقتی می‌گویند همه مسئولان آلوده به رانت و فساد هستند، مردم بی‌اور خواهند کرد. بنابراین مشکل اصلی در همین بی‌اعتنایی به نخنگان است.

۴ **باورپذیری مخاطبان نسبت به رسانه‌های جعلی در فضای مجازی تا چه اندازه می‌تواند تحت تأثیر عدم شفافیت در رسانه‌ها باشد؟ اساسا شفافیت تنها باید در نهادهای قدرت باشد یا وجودش در رسانه‌ها نیز امری ضروری است؟** شفافیت یک اقدام مکانیکی نیست که هر روز افراد در مراجع و دستگاه‌های متفاوت و رسانه‌ها بخواهند به آن اقدام کنند. بلکه حتی اعمال آن یک نوع دیوانگی محض است. هیچ نظامی در جهان نیست که از همه نیروهایش در مجلس، دولت و... بخواهد فیش ماهانه و فهرست دارایی‌هایش را منتشر کند؛ این فشاری است که همان رسانه‌های جعلی پوپولیست وارد کرده و شفاف‌سازی را به غلط تعریف می‌کنند. شفاف‌سازی یعنی وجود یک بوروکراسی قدرتمند. وقتی نظامی بوروکراتیک باشد هر فردی دست به هر کنشی برند عملکردش در آن نظام مشخص است. دیگر نیازی به بگیر و ببند آدم‌ها و اصرار به‌منظور انتشار فهرست دارایی دارندگان قدرت نیست که این خود از همان تعریف غلط از شفاف‌سازی نشئت می‌گیرد. در واقع برای اینکه دچار شفاف‌سازی نشویم، از مسئله شفاف‌سازی دفاع می‌کنند. وقتی نظامی مستقر است یک کنش بوروکراتیک دارد. در صورت کنش بوروکراتیک نیازی به دستورالعمل‌های مربوط به شفاف‌سازی نیست. بنابراین آنچه منجر به بروز رسانه‌های جعلی و پوپولیست می‌شود، نبود شفاف‌سازی در رسانه‌های حقیقی نیست؛ بلکه برعکس خلا واقعی در نظام کارشناسی کارآمد است. وقتی افراد در جایگاه‌های مختلف و دستگاه‌ها کاردان باشند به انجام کار درست به دلیل نگرانی از بی‌هویتی و بی‌اعتباری، ناگزیر خواهند شد.

۴ **یعنی تنها فقدان نظام کارشناسی، نه نیاز به هیجان از سوی جامعه، سبب می‌شود که رسانه‌های جعلی مرجع رسانه‌ای باشند و رسانه‌های حقیقی در درجه دوم اهمیت قرار بگیرند؟**

بله؛ اما این تنها بخشی از مسئله است؛ زیرا رسانه‌های مقبول درباره واقعیت‌های اجتماعی بی‌اعتنا هستند. به‌عنوان نمونه حادثه‌ای در یکی از خیابان‌های تهران رخ می‌دهد؛ اما رسانه‌های داخلی آن را منعکس نمی‌کنند. در مقابل بی‌بی‌سی و صدای آمریکا آن را منعکس می‌کنند؛ زیرا رسانه‌های رسمی نمی‌پذیرد که جامعه در حال پوست‌اندازی است؛ اما رسانه رقیب با بهره‌برداری از این وضعیت و بزرگ‌نمایی می‌گوید جامعه در حال فروپاشی است. درواقع رسانه‌ها و مدیریت جامعه عمداً به واقعیت‌های اجتماعی توجه نمی‌کنند؛ اما به اجبار به آن می‌پردازند. باین‌همه مراجعه مردم به این رسانه‌ها به مفهوم الگوپذیری جامعه قلمداد نمی‌شود.

۴ **برخی بر اینن اعتقادند که مردم رسانه‌ها را مانند احزاب به‌عنوان نیروهای میانی بین خود و حاکمیت در نداشتن درک و تحقق‌نیافتن مطالبات جامعه مقصر می‌دانند؛ به‌همین‌دلیل از آنها روی‌گردان شده‌اند. آیا این مسئله در کاهش مخاطب نقش دارد؟**

اگرچه تحقق‌نیافتن مطالبات، ناامیدی و احساس سرگردانی در این مسئله نقش دارد؛ اما نباید اصرار داشت که نظام سیاسی مقصر توجه مردم به آمدنیوزهاست؛ بلکه این امر از همان عمل اجتماعی جامعه نشئت می‌گیرد. فضای مجازی مختصاتی دارد که تا وقتی هیجانی نشود و توهم و سؤال تولید نکند، کسی به آن توجهی نخواهد کرد. به‌عنوان نمونه آمدنیوز می‌گفت یک خبر مهم و سَری داریم. او از این‌طریق مخاطب را برای خواندن خبر آماده می‌کرد؛ اما در نهایت خیرش جزئی و بی‌اهمیت بود. این ویژگی رسانه‌های معترض و هیجانی است. البته مسئله‌ای که منجر به ترغیب مخاطب به سمت چنین رسانه‌هایی می‌شود، دفاع مسئولان از خود با وجود ناکارآمدی و فساد است؛ اما باز هم واقعیت‌های موجود درباره مخاطب و ترغیب‌شان به رسانه‌های هیجانی و معترض به ناکارآمدی نظام بازمنی‌گردد. به‌عنوان نمونه انگلیس چه ارتباطی به مسائل داخلی ایران دارد که جامعه آن را متهم به مداخله‌گری می‌کند. این مسئله به منطق مخاطب و رسانه بازمی‌گردد. وقتی آمدنیوز قصدش سبک‌گرفتن و استهزای همه چیز است، حتی اگر اطلاعات مفید هم ارائه دهد، باز هم اخبارش بی‌اعتبار تلقی می‌شود؛ بنابراین نباید گفت که اشکال از ناتوانی نظام سیاسی است که منجر به ظهور و بروز چنین رسانه‌هایی شده است. اگر چنین است، چرا بی‌بی‌سی و سی‌ان‌ان متولد شده‌اند؟ آمریکایی‌ها مرتب می‌گویند که بی‌بی‌سی رسانه فیک است و جهان را علیه ایالات متحده می‌شوراند و حتی برعکس بی‌بی‌سی نیز درباره سی‌ان‌ان چنین تصویری دارد.

۴ **تغییر مرجع خبری مردم در حوزه‌های مختلف چه پیامی برای نخنگان و نظام سیاسی دارد؟**

تغییر مرجع خبری مردم در حوزه‌های مختلف به مفهوم جابه‌جایی سرمایه‌های اجتماعی است. به این مفهوم که قبل از این سرمایه اجتماعی محدود و مختصر بود؛ اما اکنون سرمایه اجتماعی متکثر و پراکنده داریم. به عبارتی سرمایه اجتماعی امروز فقط در دانشگاه نیست؛ بلکه همه‌جا متمرکز است و اگر قبل از این چند مرجع داشتم، اکنون مراجع گوناگونی برای مراجعه مردم به آن وجود دارد.

۴ **برخی این تکرر و جابه‌جایی سرمایه‌های اجتماعی را خطرناک می‌دانند. اساسا می‌توان وضعیت جدید را زیان‌بار پنداشت؟**

برخلاف تصور، چنین جامعه‌ای مطلوب است؛ زیرا هیچ‌کدام فروریختنی نیست. اگر یکی از اینها فاسد باشد، کل عرصه فرو نمی‌ریزد؛ زیرا مکان‌ها و مراجع دیگری برای مراجعه جامعه به آن وجود دارد؛ امری که درباره رسانه‌ها به‌عنوان مراجع خبری نیز صدق می‌کنند. جعل و دروغ یکی از رسانه‌ها منجر به نادیده‌گرفتن سایر آنها از سوی مردم نمی‌شود؛ به‌همین‌دلیل هم جامعه به این تکرر نیاز دارد.

۴ **مراجعه جامعه به مراجع مهیج و مخالف چه تأثیری در مسیر توسعه مدنی جامعه و رشد معیارهای دموکراسی خواهد گذاشت؟**

تا حدی به مسیر مدنی و دموکراتیک آسیب وارد می‌کند؛ اما پس از مدتی از مسیر پوپولیستی خارج می‌شود؛ زیرا کشور دچار بی‌سامانی اجتماعی و فقدان نظام کارشناسی کارآمد است. به‌همین‌دلیل نیز مردم به دنبال مراجع گوناگون حتی مخالف خواهند رفت؛ اما این مراجع برای‌شان کارایی ندارد. البته در درازمدت دیگر وضعیت این چنین نیست و به‌ناچار باید برای حفظ این سرمایه از خود هم عبور کنیم. در غیراین‌صورت به یک وضعیت نسبتاً پایدار نخواهیم رسید. تأثیرپذیری از مخالفان می‌تواند تا حدودی مسیر دموکراتیک را به تأخیر بیندازد؛ اما این به معنی پایان راه دموکراسی نیست؛ زیرا وقتی سرمایه اجتماعی در یک جامعه توزیع می‌شود، دیگر متمرکزکردن آن دشوار است. وضعیت کنونی نشان می‌دهد که ما با صورت‌بندی جدیدی از جامعه در آینده روبرو خواهیم بود؛ به‌همین‌دلیل تنها تلاش دو جریان راست و چپ برای مجاب‌کردن مردم کافی نخواهد بود؛ بلکه نیاز به حضور گروه‌های مختلف در صحنه خواهیم داشت.

طرح جدید اصلاح‌طلبان برای لیست انتخابات مجلس یازدهم

انتخابات مجلس یازدهم را دارند، ثبت‌نام می‌کنند. در این طرح شرایطی برای حصول اطمینان از کیفیت نامزدهای برگزیده‌شده از طریق سامانه «سرا» در نظر گرفته شده است که از جمله آنها امضای منشور اصلاحات و پذیرش میثاق و تعهد به کناره‌گیری به نفع نامزدهای فهرست نهایی برآمده از انتخابات اصلاح‌طلبان با موافقت و مخالفت‌های احزاب مواجه شده است. برای تعیین تکلیف نهایی به احزاب «جبهه اصلاحات» فرستاده شد تا نظر خود را درباره آن اعلام کنند. به گزارش «عصر ایران» در این سامانه آنلاین نخست نامزدهایی که خود را از طیف اصلاح‌طلبان می‌دانند و قصد کاندیداتوری در

آینده

ریاست‌جمهور

پرسش‌هایی از منتقدان اقتصاد آزاد

● **امیر سلیمی:** از وضعیت امروز اقتصاد ایران کمتر کسی راضی است و اقتصاددانان نیز از این قاعده مستثنی نیستند. طرفداران بازار آزاد تلاش کرده‌اند نقشه راه اصلاحی خود را بر اساس این پارادایم ترسیم کنند. اما منتقدان می‌گویند پیشنهادهای آنان نه‌تنها راهگشا نیست، بلکه به زیان عموم مردم است. به جهت بازشدن فضای بحث و گفت‌وگو پیشنهاد می‌شود منتقدان بازار آزاد به این پرسش‌ها پاسخ دهند. شاید پاسخ به این پرسش‌ها کمک کند فضای مبهم کنونی که عمدتاً به سمت اتهام‌زنی حرکت کرده است، کمی شفاف‌تر شود... طبیعتاً در بیان حمایت از گروه‌های کم‌درآمد، مبارزه با فساد و صیانت از ثروت عمومی سخن همگان است. حتی برخی مفسدان نیز می‌توانند شعار مبارزه با فساد را نثار بدهند. آنچه می‌تواند سره را از ناسره تمیز دهد پاسخ به این است که کدام نظام می‌تواند این اهداف را به‌صورت حاکمتری محقق کند... البته امکان دارد برخی خود را طرفدار بازار معرفی کنند و بگویند چون دستیابی به شرایط بازار رقابت کامل غیرممکن است، با این مکانیزم مخالف هستند یا با استناد به آمارتایسن بگویند «در یک ساخت توسعه‌نیافته سخن از بازار، اسم رمز مناسبات مافیایی است». قسارغ از چارچوب و فرضیاتی که آمارتایسن ذیل آنها سخن گفته، خوب است منتقدان پاسخ دهند در این ساخت رانتی چه پاسخی باید به سؤال‌های مورد اشاره داد و چگونه باید عمل کرد؟ در پایان دوستداران وطنی آمارتایسن به این جمله نقل‌شده در کتاب توسعه یعنی آزادی می‌تواند دقت داشته باشند؛ در غیبت آزادی (که آزادی اقتصاد نیز جزء مهمی از آن است) دو اتفاق قطعا رخ می‌دهد: «منافع گروه اندک» و «زیان اکثریت مردم».

ایران

فیشینگ و ارزش افزوده دو سوی کلاهبرداری از مردم

امیر ناظمی: فیشینگ، سایت‌ها و صفحه‌های اینترنتی جعلی هستند که سعی می‌کنند از طریق فریب کاربران اطلاعات مربوط به نام کاربری یا گذرآورد (یا همان پسورد) یا اطلاعات مربوط به کارت بانکی را به دست آورند... برای مقابله با فیشینگ چند راه‌حل موازی باید مورد توجه قرار گیرد؛ مثلاً افزایش دانش کاربران برای توجه به نام صفحه‌ها و عدم خرید از سایت‌ها و صفحات غیرمعتبر گرفته تا توجه به علامت نماد الکترونیک یکی از مهم‌ترین اقدامات است. به صورت موازی لازم است تا بانک‌ها به صورت مداوم صفحت جلی را شناسایی و پایش کنند. راه‌حل‌های فنی مانند ابزارک‌های نصب‌شده بر مرورگرها یا دیواره آتش یا ابزارهای شناسایی ایمیل‌های اسپم نیز در این امر کاربردهایی کلیدی دارند... اگرچه مأموریت سازمان فناوری اطلاعات به صورت مستقیم شناسایی و مسدودسازی این صفحات نیست و این امر در حیطه وظایف پلیس فتا و بانک‌ها است؛ اما بیشترین شناسایی و مسدودسازی را ما در سازمان فناوری اطلاعات و مرکز ماهر انجام داده‌ایم. در شش‌ماه نخست ۸۵۷ سایت فیشینگ شناسایی و مسدودسازی شده‌اند؛ یعنی روزانه بیش از پنج صفحه جعلی توسط کلاهبرداران ایجاد می‌شود و باید به صورت مداوم این صفحات شناسایی و پس هشار داد می‌شود و ۹۹ درصد دیگر را به صورت مداوم شناسایی و مسدود می‌کنیم. اما نکته قابل توجه آن است که ما در مرکز ماهر ۹۵ درصد از موارد شناسایی و مسدودسازی را از طریق همکاری بین‌المللی با مراکز CERT دنیا انجام می‌دهیم. به صورت متقابل هم مراکز مشابه در کشورهای دیگر پس از شناسایی به ما اطلاع می‌دهند و هم ما این کار را برای آنها انجام می‌دهیم.

کیم‌سان

لطفا حرفه‌ای‌تر تحریف کنید!

محمدصرفی:... تحریف تاریخ البته مسئله عجیب و غریبی نیست اما اینکه برخی وقایع یکی دو سال اخیر را تحریف که نه، ۱۸۰ درجه وارونه کنند جای تأمل دارد. درست است که ولنتمدندان در دفاع از خود و کارنامه‌شان که چیزی جز برجام در آن نیست می‌گویند اوضاع مملکت در پس‌برجام بسیار گل و بلبل بوده و اگر بدشانسی نمی‌آوردیم و ترامپ از توافق خارج نمی‌شد، کشور گلستان می‌شد! اخیراً تکمله‌ای هم به این داستان کذایی افزوده‌اند و می‌گویند اصلاً این وضعیت تقصیر رقبای داخلی است که اعتراضات دی ماه ۹۶ را به وجود آوردند و باعث شدند ترامپ از برجام خارج شود!.. درزگرفتن برخی مسائل جزئی یا افزودن مقداری ادویه به یک روایت را می‌توان به حساب ضعف حافظه و تسناین گذاشت اما اینکه نامه معروف چهار وزیر درباره وضعیت اقتصادی کشور نادیده گرفته شود، عادی نیست... می‌گویند کسی که چیزی ندارد، چیزی هم برای از دست‌دادن ندارد. از دولتی که دچار بی‌ست گفتمانی شده و باغ سیب و کلابی‌اش جز خار به بار نیاورده است، انتظار می‌رفت در دو سال باقی‌مانده از عمر خود، سعی در جبران خسارت‌ها و خدمت به مردم کند اما این روند و اظهارات نشان می‌دهد برای آنکه وانمود کنند زمین نخورده‌اند، می‌خواهند تا ۱۴۰۰ سینه‌خیز بروند.